

نقش جرم شناسی رشد در مجرمیت بالقوه کودکان و نوجوانان

نویسندگان:

ساحل کرمی^۱، * سحر عراقی^۲، میترا سعدالدین^۳

چکیده

انسان از آغاز حیات تا رسیدن به سن بلوغ مراحل متعددی از رشد را طی می کند که برخورداری از خصوصیات زیستی و روانی مطلوب و ورود موفقیت آمیز به زندگی اجتماعی و هم‌نوا شدن با ارزش ها ، هنجارها و الگوهای پذیرفته شده رفتار اجتماعی مستلزم آن است که وی مراحل رشد را به نحو مطلوب پشت سر بگذارد . چنانچه عوامل مرتبط با رشد ، در مراحل مختلف رشد وی دچار اختلال شوند ، کودک و نوجوان در معرض خطر انحراف از مسیر انطباق با ارزش ها ، هنجارها و الگوهای پذیرفته شده قرار می گیرد . کودکی دورانی آکنده از لحظه های آینده ساز است . اگر شرایط رشد سالم برای کودک فراهم شود این رشد سیری مثبت به خود می گیرد و اگر چنین شرایطی فراهم نشود کودک در معرض خطر انحراف از مسیر رشد سالم قرار می گیرد . ملاحظه حقوق مختلفی که برای کودکان در اسناد بین المللی تصریح شده و بررسی وضعیت کودکان و نوجوانان بزهکار و نقض بسیاری از حقوق مذکور در خصوص آن ها نشان می دهد که نقض حقوق رشد مدارانه، کودکان را در معرض خطر ارتکاب جرم قرار می دهد . تمامی ابعاد رشد کودک اعم از جامعه پذیری و کنترل وی به نحوی با خانواده مرتبط است و اختلال در هر یک از زمینه های کارکردی خانواده ؛ کودکان و نوجوانان را در معرض خطر گرایش به بزه کاری قرار می دهد پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از ابزار مشاهده - کتابخانه ای فراهم گردیده در پژوهش فوق نیز به دنبال آن هستیم تا نقش عوامل مختلف را بر بزهکار شدن اطفال و نوجوانان بسنجیم و در صدد پاسخ به پرسش هایی زیر می باشد :

تاثیر جرم شناسی رشد در پیشگیری از بزهکار شدن اطفال و نوجوانان به چه میزان است ؟

چه عواملی باعث گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری میشود ؟

کلید واژه ها : جرم شناسی رشد ، مجرمیت بالقوه ، بزهکاری کودکان و نوجوانان

۱ : دانشجوی کارشناسی ارشد ، حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد سمنان - sh1.karamiVA@gmail.com

۲ : دانشجوی کارشناسی ارشد ، حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد سمنان-sahara.araghe111@gmail.com

۳ : دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان-mitrasaddoddin@gmail.com

۱- مقدمه

از جمله موضوعات حائز اهمیت در علم جرم‌شناسی از دیرباز مسئله‌ی بزهکاری کودکان و نوجوانان و تاثیر آن بر رشد کودکان و نوجوانان می‌باشد. ویژگی مشخص‌کننده جرم‌شناسی رشد مدار، تمرکز بر بزه‌کاری در خصوص تغییراتی است که با گذشت زمان، در افراد و شرایط زندگی‌شان ایجاد می‌شود. دوران کودکی و نوجوانی، اساسی‌ترین موضوعات جرم‌شناسی رشد مدار بوده و حجم زیادی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. این‌گرایش از جرم‌شناسی باتوجه به دستاوردهای مکاتب و نظریات قادر به ارائه کاربردی‌ترین راه‌کارها برای مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن در تمامی طول زندگی از کودکی تا پایان بزرگسالی می‌باشد.

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های معنوی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و سلامت جسم و روان آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه در آینده خواهد بود. در ادوار مختلف زندگی بشر با اینکه عده‌ای از اطفال و نوجوانان از رعایت آداب و رسوم و اجرای قوانین و مقررات سرپیچی نموده یا مرتکب جرم می‌شوند اما بزهکاری اطفال از مسائل حاد اجتماعی نبوده است. در قرن معاصر، ازدیاد بزهکاری اطفال و نوجوانان مخصوصاً ارتکاب جرائم توأم با خشونت و قساوت یکی از معضلات اجتماعی محسوب می‌شود. مجرم شدن اطفال و نوجوانان یک معضل اجتماعی است که در هر دوره‌ای از تاریخ شاهد آن خواهیم بود. هر انسانی در هنگام تولد شخصیتی پاک و به دور از هرگونه پلیدی دارد. عوامل متعددی در شکل‌گیری و تکامل شخصیت این انسان تاثیر می‌گذارد که از جمله‌ی این عوامل می‌توان به خانواده، دوستان و محیطی که فرد در آن رشد می‌کند و ... اشاره نمود. تمامی این عوامل می‌تواند در ارتباط با یک انسان، او را تبدیل به یک فرد موفق و یا یک مجرم در آینده بکند. البته برخی از این عوامل نقش بیشتر و تاثیر گذارتری را در مجرمیت بالقوه اطفال و نوجوانان ایفا می‌کند که می‌توان خانواده را نمونه‌ای از آن دانست.

۲- علل و عوامل گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری :

خانواده در تربیت کودکان؛ نقشی بسیار اساسی و مهمی را ایفا می‌کند. اینکه یک فرد تبدیل به یک مجرم در آینده میشود ناشی از اتفاقات و وقایع و رویداد‌های بسیاری است که وی در طول زندگی خود تجربه نموده است. از گذشته تا به امروز افرادی بودند که بواسطه اتفاقات تلخی که در دوران کودکی برایشان رخ داده تبدیل به مجرمین خطرناکی در بزرگسالی شدند. مهم‌ترین عاملی که در شخصیت افراد تاثیر می‌گذارد زندگی خانوادگی آن‌هاست. دوران کودکی، پایه‌های شخصیت را فراهم می‌کند بدین معنی شخصیتی که در انسان و در دوران رشد و بلوغ وی شکل می‌گیرد زاینده‌ی شخصیتی است که در زمان کودکی او حاصل شده است. سابقه‌ی کودکی

والدین و نحوه ی تربیتی که آنان پشت سر گذاشته اند در تربیت کودکان به عنوان فرزندانشان نقش اساسی و عمده ای دارد . پدر یا مادری که دوران کودکی سخت و غیراصولی را پشت سر گذاشته و سرشار از عقده های روانی می باشند قطعاً نمی توانند به درستی کودک خود را تربیت کنند و همین اهمال کاری ، نداشتن سواد کافی ، نگذاشتن وقت و انرژی مناسب برای کودک یا نوجوان او را تبدیل به یک مجرم در بزرگسالی می کند تا جایی که وقتی به ریشه های درونی او توجه کنیم متوجه میشویم علت گرایش کودک یا نوجوان به بزهکاری ناشی از تربیت اشتباه و ناپسند دوران طفولیت وی بوده است (عظیم زاده ، شیخ الاسلامی: ۱۳۹۳) برخورداری والدین از سطح تحصیلات عالی دانشگاهی و قابل قبول برنگرش ها و رویکردهای آنان در زمینه فرزندپروری ، ارتباط با یکدیگر و روابط با فرزندان تأثیر گذاشته، از میزان سوء رفتار و بی توجهی نسبت به کودکانی کاهد. علاوه بر این ؛ آرمان گرایی تحصیلی، تعیین اهداف عالی تحصیلی برای فرزندان و هدایت، تشویق و تهیه امکانات لازم برای ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان نیز در والدینتحصیل کرده بیشتر است. هم چنین غفلت، به معنای بی توجهی والدین و سرپرستان قانونی به تأمین نیازهای اولیه کودک از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و یا نیازهای عاطفی اولیه مثل محبت، هدایت ، احساس تعلق، صمیمیت و حمایت از کودک تا رسیدن به دوران بلوغ در کنار سوء رفتار با کودکان، قویترین نشانگرهای بزهکاری نوجوانان در آینده می باشد .

سبک تربیتی والدین ، روند رشد عاطفی و شکل گیری شخصیت کودک را تحت تاثیر قرار داده و به این طریق کودک را از قابلیت های شخصیتی لازم برای انطباق و سازگاری برخوردار کرده و یا پایه های ناسازگاری و عدم انطباق اجتماعی را در شخصیت وی شکل خواهد داد .

عامل دیگری که در مجرم شدن کودکان در سنین بزرگسالی تأثیر بسزایی دارد تنبیه بدنی می باشد. والدینی که در دوران طفولیت ؛ فرزندانشان را با تنبیه بدنی تربیت می کنند در واقع علتی خواهند بود که به روند مجرم شدن فرزندانشان در بزرگسالی کمک می کنند . وقتی طفل در دوران کودکی تنبیه هایی را تحمل می کند این عقده های روانی با وی رشد پیدا می کنند و در سن بزرگسالی به بهانه ی انتقام گرفتن از محیط اطراف و بقیه ی افراد و به منظور رهایی از فشارها و سختی هایی که تجربه کرده مرتکب جرائم مختلفی می شود و آزار و اذیت و ضرر رساندن به دیگران را بدین صورت توجیه می کند . این موضوع مسئله ای است که در اکثر مجرمان خطرناک مشترک می باشد . بسیاری از این مجرمان علت گرایش به جرم را تنبیه هایی می دانند که در دوران کودکی متحمل آن شده اند. (تمنایی فر، سلامی محمد آبادی ، و دشتبان زاده ، ۱۳۹۰ ؛

بلسکی، اشتنبرگ و دراپر (۱۹۹۲) در بررسی‌هایی که نسبت به فرزندان و والدین داشتند به این نتیجه رسیدند که والدین محدودکننده، رهاکننده، طردکننده و والدینی که روش تربیتی آنان بر تنبیه است، نوجوانانی را پرورش خواهند داد که مرتکب اعمال ضد اجتماعی شده و بر رفتار خود کنترلی نخواهند داشت و برعکس والدینی گرم، پذیرنده، مشوق و حساس که روش تربیتی آنان بر مبنای استدلال و گفتگو است، فرزندان خواهند داشت با قابلیت‌های اجتماعی مطلوب، رفتار سازمان یافته و برخوردار از احساس امنیت عاطفی و اجتماعی.

علاوه بر موارد گفته شده در خصوص علل گرایش کودکان و نوجوانان به بزهکاری همچنان چندین عامل دیگر نیز وجود دارد. متأسفانه بسیاری از کودکان تجربه تلخ و سخت تجاوز را چشیده‌اند و بواسطه‌ی این تجربه تلخ، فشارهای روحی و روانی زیادی را متحمل شده‌اند. این احتمال را باید در نظر داشته باشیم که کودک بر اثر این تجربه‌ی تلخ و به بهانه‌ی انتقام جویی مرتکب جرائم مختلفی بالاخص جرائم جنسی بشود و در نهایت فردی که زمانی بزه دیده و قربانی جرم بوده تبدیل به یک بزهکار بشود.

بیکاری و نداشتن درآمد کافی برای گذران زندگی مسئله‌ی مهم و ویژه‌ای است که در اکثر معضل‌های اجتماعی شاهد و ناظر آن هستیم. فقر و طرد اجتماعی و بیکاری غالباً باعث اینمی‌شود که شخص حاشیه‌نشین گردد و افرادی که حاشیه‌نشین می‌شوند یا در مناطق حاشیه‌نشین با وضع سخت و نامساعد این محیط، رشد می‌کنند برای بزهکاری مستعدتر هستند. این دسته از افراد برای تامین معیشت زندگی خود اقدام به عمل‌های مجرمانه مختلفی از جمله سرقت، توزیع مواد مخدر، شرکت در گروه‌های سازمان یافته، اعتیاد و ... می‌کنند.

مدرسه به عنوان یکی از مکان‌های جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان، همواره مورد توجه قرار داده می‌شود و این مکان، یکی از بسترهای اجرای تدابیر حمایتی و رشدمدار تلقی می‌گردد. به همین علت، ترک تحصیل نیز یکی از عوامل خطر جدی بزهکاری در کودکان و نوجوانان می‌باشد. از این رو و با توجه به آموزه‌های پیشگیری رشدمدار، خانواده ملزم گردیده تا کودک را به مدرسه بفرستد و موجبات تحصیل وی را فراهم نماید. افزون بر این در «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان»، ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان، جرم شناخته شده است. (بیرانوند، یاراحمدی، و میلانی؛ ۱۳۹۹؛ ۱۱-۱۵) مدرسه به عنوان مکان مناسب برای آموزش و پرورش یافتن طفل یا نوجوان نقش عمده‌ای در تربیت آنان ایفا می‌کند. که متأسفانه به دلیل هزینه‌های زیاد آموزشی و نبود امکانات مناسب برای افرادی که توانایی مالی ندارند از تحصیل و آموزش محروم می‌مانند. این دور ماندن از محیط امن آموزشی و عدم بهره‌گیری از مسائل آموزشی مناسب و عدم ارتباط‌گیری با

همسالان و معلمان را میتوان عاملی دانست که کودک یا نوجوان نسبت به ارتکاب جرم گرایش یابد.

همیشه یکی از مسائل مهمی که سیاست های حاکم ؛ بر آن تاکید دارند مسئله ی افزایش جمعیت می باشد در برخی از مناطق و برخی از قومیت ها نیز به مسئله ی زاد و ولد توجه زیادی می شود برای نمونه در خانواده ای که زاد و ولد زیاد باشد پدر و مادر نمی توانند تمرکز و توجه کافی نسبت به تربیت همه ی فرزندان داشته باشند و فرزند در محیطی رشد می یابد که با افراد مختلفی از هر نوع فرهنگ و اخلاقی آشنایی پیدا می کند و همین عاملی است که یک کودک یا نوجوان به سمت ارتکاب جرم سوق پیدا کند . البته میزان بزهکاری در محله های مختلف شهری متفاوت است . در محله هایی که به نوعی از سطح پایین تر فرهنگی و اجتماعی برخوردار هستند و اکثر ساکنین آن خلافکار هستند نمی توان توقع چندانی داشت تا شخصیت یک طفل در این محله به درستی شکل بگیرد . و با توجه به ارتباطی که امکان دارد طفل در این محله با بقیه ساکنین بگیرد احتمال مجرم شدن وی بیش از سایرین می باشد . سکونت در مناطق فقیرنشین که سطوح بالای ناآرامی ، خشونت، مواد مخدر، بی قیدوبندی ساکنان، دسترسی اندک به امکانات حمایتی اجتماعی و تسهیلات و امکانات تفریحی است فضای لازم برای رشد مطلوب کودک را از او سلب می کند. و می تواند زمینه ساز مجرم شدن کودک در آینده شود

براساس تحقیقات پانتازی و گوردون (۱۹۹۱) ساکنان مناطق مرفه سه برابر بیشتر احساس ناامنی می کنند، زیرا عموماً این مناطق از نرخ بالاتری از رتبه پایین اجتماعی به معنای میزان جرم و خشونت برخوردار است و دسترسی خانواده به منابع ارزشمند جامعه از جمله دسترسی به قدرت سازمان یافته در جامعه و یا برخورداری از اعتبار اجتماعی به معنای بهره مندی از تعهدات اجتماعی می باشد . (مهدوی ، و معظمی ؛ ۱۳۸۸ ؛ ۱۶)

۳- پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان :

اگر از وقوع جرم پیشگیری شود درواقع از بزهکار شدن یک فرد در آینده جلوگیری خواهد شد . ولیکن پیشگیری از جرم کار راحتی نمی باشد و نیازمند به اتخاذ یک سری از سیاست ها ، تصمیمات و برنامه ریزی های مناسب می باشد . قبل از آنکه جامعه شاهد بزهکار شدن یک کودک باشد باید اقدامات لازم را نسبت به پیشگیری از بزهکار شدن کودک و در نهایت مجرم شدن وی در سنین نوجوانی و جوانی به عمل آورد. اگر در خصوص بعضی از مسائل به کودکان آموزش های لازم داده شود میتوان از وقوع برخی از جرایم به نحوی جلوگیری نمود . آشنا کردن کودک با مسائل و خطرهایی که ممکن است در جامعه و در برخورد با دوستان برای وی پیش بیاید قدم موثری است تا بتوان از ارتکاب جرم توسط آنان جلوگیری به عمل آورد . آموزش های مناسب در خصوص

مسائل جنسی، اجتماعی، طرز برخورد با افراد غریبه، انتخاب دوستان مناسب و... می‌تواند کمک موثری به جلوگیری از ارتکاب جرم توسط کودکان کند. عوامل پیشگیری از بزه کاری کودکان را میتوان به دو دسته‌ی سیاست‌های کلان پیشگیرانه و سیاست‌های خرد پیشگیرانه تقسیم نمود.

سیاست‌های کلان شامل برنامه‌ها و تصمیماتی می‌شوند که مسئولان باید در خصوص پیشگیری از بزهکاری افراد از دوران کودکی نسبت به سطح وسیعی از جامعه اعمال نمایند. برای این کار اقدام به اجرای برنامه‌هایی می‌کنند که در راستای فقرزدایی از سطح خانواده‌ها و اشتغال ورزی شود. برای اجرای این سیاست‌ها نیازمند به این هستند که مسائل مربوط به پیشگیری از بزه را به صورت همگانی از طریق مدارس، رسانه‌ها، کتاب و... آموزش دهند. سیاست‌های خرد پیشگیرانه بخشی از اجتماع کودک را مورد بررسی قرار می‌دهد. همانند اینکه مدرسه، خانواده، دوستان فرد را مورد توجه قرار می‌دهد و چنانچه در برخی از اوضاع و احوال احتمال داده شد که کودک در معرض خطر قرار دارد و احتمال این وجود دارد که مرتکب جرم شود با اتخاذ تصمیمات درست و به کارگیری سیاست‌های مناسب از مجرم شدن کودک در سنین کودکی یا نوجوانی و جوانی پیشگیری به عمل آوریم. یک سری از پیشگیری‌ها باید توسط مسئولان مربوطه انجام شود. مسئولان باید سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که اگر موقعیتی را بزه‌زا تشخیص دادند بتوانند آن موقعیت را به طور کلی حذف و یا تغییر دهند. (عباچی؛ ۱۳۸۳؛ ۱۰-۷)

بزه یا بزهکاری یک پدیده اجتماعی است که در محیط‌های مختلف و به اشکال مختلف دیده می‌شود. از دیدگاه جرم‌شناسی؛ نوجوان بزهکار به نوجوانی گفته می‌شود که در شرایطی که شخصیت وی در حال شکل‌گیری است تحت تاثیر شرایط، مرتکب جرم می‌شود. شخصیت؛ عنصر ثابت رفتار یک فرد است به طوری که او را توصیف و آن شخص را از سایر اشخاص متمایز می‌کند. پس از گذار از دوران کودکی، دوران نوجوانی با تغییرات روانی و جسمانی عمیقی فرا می‌رسد. به همین دلیل است که رشد نوجوان و توجه به اوضاع و احوال او شایسته‌ی توجه کردن خاصی می‌باشد. اولین مراحل رشد طفل، نقش سرنوشت‌سازی را بازی می‌کند. زیرا در همین برهه از زمان است که الگوهای غالب و مهم که در تعامل با فرد قرار می‌گیرند، شخصیت او را آشکار می‌کنند و پس از عبور از این دوران، فرد با توجه به ارتباطی که با جامعه پیدا می‌کند و تجربیاتی که کسب می‌کند به مرحله‌ی ثبات شخصیت می‌رسد. بررسی‌های انجام شده در خصوص برخی از نوجوانان بزهکار منجر به نتایجی شده که نشان می‌دهد این دسته از نوجوانان دیدگاه خود محوربینانه دارند، آن‌ها هیچگونه تحملی در مقابل محرومیت‌ها و کمبودهای خود ندارند و تمامی این کمبودها را ناشی از بی‌انصافی و بی‌عدالتی دنیا می‌دانند و به همین خاطر است که تنها راه‌ها شدن را؛ ارتکاب اعمال مجرمانه می‌دانند. مشخصه‌ی غالب نوجوانان بزهکار

، خودبینی یعنی تمایل به برقراری ارتباط با خود و اولویت دادن بیش از اندازه به خودمی باشد که ریشه در عقب ماندگی و انزوای اجتماعی آن ها دارد .

هرگاه کوچکترین نقص یا جراحی در مغز پدیدار شود موجب آشفتگی هوش و روان و غرایز می‌گردد و قدرت تشخیص اعمال خوب و بد را از فرد سلب می کند . عقب ماندگی ذهنی ، علت اصلی ارتکاب جرم نیست ولی اگر تحت حمایت،درمان و راهنمایی قرار نگیرد امکان اینکه مرتکب جرم شود بسیار زیاد است . البته در خصوص برخی از جرایم مثل جعل،تقلب، کلاهبرداری نیاز به هوش و ذکاوت مشاهده می شود که طبیعتا عقب ماندگان ذهنی از آن محروم هستند ولیکن این دسته از افراد به دلیل شخصیت تلقین پذیر و وابسته ای که دارند آلت دست مجرمان باهوش قرار می گیرند و جرم را انجام می دهند این گروه از افراد عموما زودتر از بزهکاران باهوش دستگیر می‌شوند و متاسفانه اکثر عقب مانده ها با درجات مختلف بعد از ارتکاب بزه ؛ خود مورد تجاوز جنسی بزهکاران دیگر قرار می گیرند و به دلیل شرایط نامساعد و تجربه ی تلخی که داشتند به اعتیاد، فحشا، انحرافات جنسی و سرقت روی می آورند .

بیماران مبتلا به روان پریشی قدرت تمیز و تشخیص رفتار و عمل خوب و از بد را ندارند و گفتار و کردار خویش را از دست داده و روابط نسنجیده ای نسبت به محیط از خود بروز می دهند .

به طور کلی می توان گفت تعداد کمی از بزهکاران مبتلا به بیماری اسکیزوفرنیا هستند در بدو شروع بیماری، فرد اقدام به جرائم کم اهمیت مثل سرقت اشیا کوچک از یک مغازه ی بزرگ می‌کند و با پیشرفت بیماری جرائم با اهمیت بیش تری را مرتکب می شود از جمله جرائمی که اغلب مبتلایان به این بیماری مرتکب می شوند عبارتند از : قتل بدون انگیزه ، پرخاشگری بدون دلیل ، اعمال منافی عفت در انظار عمومی ، ایجاد حریق عمومی و... اینگونه از افراد هیچ گونه واهمه ای از رفتار خود در برابر مقامات انتظامی ندارند و ارتکاب قتل والدین را می توان از خطرناک ترین جرایم ارتکابی آنان دانست .

گروه دیگری از بیماران برای ارضاء خاطر خود از انجام هرجرمی هیچ ابایی نداشته و آن را انجام می دهند این افرادشخصا احساس عذاب وجدان و ندامت نمی کنند بلکه بعداز ارتکاب هر جرم و اذیت کردن دیگری احساس شعف و شادی می کنند .

کودکی که از سوی افراد مراقب خود ؛ مورد آزار جسمی ، روانی یا جنسی قرار گرفته و تأمین نیازهای جسمانی، و عاطفی او مورد غفلت و بی توجهی والدین و مراقبان قرار می گیرد، با فشاری در هم شکننده و توان فرسا مواجه می شود و به ناچار در مقابل این فشار، به واکنشی دست خواهد زد بنابر تحقیقات گیل (۱۹۹۱) عکس العمل کودکان نسبت به سوء رفتار و بی توجهی ممکن است از طریق رفتارهای درونی یا واکنش های بیرونی بروز کند. کودکانی که از طریق رفتارهای

درونی واکنش نشان می‌دهند، درد و رنج حاصل شده را درون ریزی نموده و از تعامل با دیگران می‌پرهیزند آنها معمولاً افسرده، بی‌نشاط، هراسان، فوق‌العاده گوش به زنگ و واپس‌گرا به نظر می‌رسند، چنانچه مداخله‌ای برای خارج کردن کودک از وضعیت اضطراب‌آلود وی صورت نگیرد، این کودکان علایم مرض جسمانی مثل اختلالات خواب و دردهای جسمانی از خود بروز می‌دهند، از نظر عاطفی نیز گوشه‌گیر شده و در موارد بسیار شدید ممکن است معاشرت با دیگران را ترک و مبادرت به خودزنی یا رفتارهای خودکشی از خود بروز دهند. در مقابل کودکانی که در مقابل سوء رفتار عکس‌العمل خارجی نشان می‌دهند، درد و رنج خود را به بیرون و متوجه دیگران کرده و رفتارهایی تحریک‌آمیز، خصمانه و خشن از خود بروز می‌دهند آزار و اذیت همسالان، حیوان‌آزاری، تخریب و آتش‌زدن اموال، بروز رفتارهای جنسی زودرس و بزهکاری از جمله واکنش‌های بیرونی این دسته از کودکان است. نوجوانانی که نسبت به موقعیت فشار رویکردی هیجانی یا اجتنابی را در پیش گیرند، در معرض خطر گرایش به بزهکاری قرار خواهند گرفت. در رویکرد هیجانی نوجوان سعی کند از بین خود و عوامل فشار، فاصله‌ای عاطفی ایجاد کرده و به سوی چتر حمایت عاطفی دیگران بگریزد و از آنجا که در کودک آزاری و غفلت عوامل فشار، والدین یا مراقبان قانونی هستند؛ این امر منجر به فرار نوجوان از موقعیت فشار که همان محیط خانواده است، خواهد شد.

نتیجه‌گیری :

با تولد هر کودک، موجودی انسانی در نهایت ضعف و نیاز به جامعه افزوده می‌شود. او در تمام ابعاد وجودی خویش و به ویژه قبل از هر چیز؛ نیازهای اولیه زیستی خود استحقاق و نیاز به حمایت دارد. خانواده به لحاظ پیوند زیستی و طبیعی اولین محیط و نهاد اجتماعی است که نوزاد پای به درون آن می‌گذارد. وضعیت کودک، موقعیت و ترکیب خانواده به گونه‌ای است که اساسی‌ترین نقش را در زندگی کودک اجرا می‌کند. وابستگی شدید عاطفی بین کودک و والدین، نیاز مطلق کودک در تمامی ابعاد زیستی و روانی به والدین؛ خانواده را در زمینه تأمین نیازهای رشدی کودک از جایگاه منحصر به فردی برخوردار کرده است. تأمین نیازهای اساسی اولیه و رشدی کودک اولین کارکرد خانواده است. تأمین نیازهای جسمانی و زیستی کودک و نیز تأمین نیاز به امنیت و قوام بخش رشد فکری و جسمی و احساس اعتماد به نفس، تأمین نیاز به تعلق مبنای احساس پیوند اجتماعی و تأمین نیاز به احترام که شالوده شکل‌گیری احساس عزت نفس در کودک است، از اجزای این کارکرد خانواده به شمار می‌روند. سوء عملکرد خانواده در تأمین این نیازها روند رشد مطلوب کودک را مختل کرده و وی را در معرض خطر بزهکاری قرار خواهد داد. به همین جهت در اسناد بین‌المللی راجع به حقوق کودک توجه به مقتضیات و حقوق رشدی کودک مورد تأکید قرار گرفته است و دولت‌ها مکلف به تضمین حق رشد کودک شده‌اند تا جایی که

اعمال و رعایت این حقوق به قبل از تولد نیز تسری پیدا کرده است از جمله مصادیق حقوق رشدمدارانه اطفال و نوجوانان حق برخورداری از خانواده، حق حفاظت در برابر بی توجهی و سوء رفتار، حق بقا، حق حمایت و مراقبت، حق اجتماعی شدن و حق رفاه است، نیازهای جسمی و عاطفی کودک قدم های آغازین در شکل گیری و ساخت شخصیت وی در آینده است و تأمین این دو نیاز مهم، حق مسلم کودک و تکلیف اساسی هر خانواده ای است. در اینکه خانواده در آینده فرد تاثیر بسزایی دارد هیچ شکی نیست. بسیاری از فاکتورهای خانواده مثل میزان تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی، فرهنگ و اصول تربیتی آنان نیز نقش مهمی را ایفا می کند. در تمامی ادوار مختلف یکی از بحث های مهمی که حقوقدانان، جامعه شناسان و کارشناسان مربوطه به دنبال آن بوده اند این بوده است که به نحوی از وقوع جرم در جامعه پیشگیری به عمل بیاید. یکی از اصلی ترین ارکان و اساسی ترین بحث در جرم شناسی رشد برای پیشگیری از وقوع از جرم آن است که از سنین خردسالی بتوان اقداماتی را انجام داد تا فرد در آینده نسبت به ارتکاب جرم گرایش پیدا نکند. نکته ی حائز اهمیت دیگر آن است که برای پیشگیری از جرم نیاز به یک مشارکت همگانی در سطح جامعه می باشیم. منظور از مشارکت همگانی آن است که شرایط جامعه باید به نحوی باشد که روز به روز شاهد کمتر شدن جرم باشیم. وضعیت اقتصادی، شغل، درآمد خانواده ها، تحصیلات، آموزش و پرورش و ... باید به گونه ای باشد که بتوان به تربیت درست و اصولی یک کودک کمک کنند. البته این موضوع مسئله ای است که متأسفانه در کشورهای سوم چندان رواج ندارد و کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. با اتکا به مسئله ی جرم شناسی رشد مدار و بررسی تاثیر مثبت آن بر روی تربیت کودکان و نوجوانان می توانیم شاهد کمتر شدن وقوع جرم در سطح جامعه و یا پیشگیری از وقوع این پدیده باشیم.

پیشنهادات:

با توجه به مطالبی که در این پژوهش ذکر شد، راه کارهای زیر جهت برطرف شدن برخی از ایرادات ارائه میگردد:

الف) تلاش برای آگاهی بخشی به افراد جامعه به خصوص پدر و مادر

ب) بهره گیری از مشاوران و روان شناسان باتجربه در خصوص نحوه ی درست تربیت فرزندان و حل مشکلات آنان

ج) اهمیت دادن به کودکان و تلاش برای افزایش اعتماد و عزت نفس در آنان

د (توجه کردن به رفتارها و عکس العمل‌های مختلف کودکان و نوجوانان جهت راهنمایی کردن به آنان و پیشگیری از وقوع جرم

ه (برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه برای پدران و مادران در خصوص نحوه‌ی درست تربیت فرزندان

منابع فارسی :

مقالات :

۱. اشرفی، منصور؛ علل و انگیزه قانون‌شکنی نوجوانان و جوانان؛ (۱۳۷۰)؛ نشریه کانون وکلای دادگستری؛ شماره ۱۰؛ ۸-۱۰

۲. برهانی؛ محسن؛ (۱۳۹۰) گستره تنبیه بدنی اطفال توسط والدین از منظر قانون و فقه؛ مجله حقوق بشر؛ سال ششم؛ شماره ۲

۳. بیرانوند؛ رضا؛ یاراحمدی؛ حسین؛ میلانی؛ علیرضا؛ (۱۳۹۹)؛ تحلیل پیشگیری رشد مدار از جرم در نظام حقوقی ایران؛ فصلنامه دانش انتظامی؛ سال بیست و دوم؛ شماره ۲

۴. تمنایی فر؛ محمدرضا؛ سلامی محمدآبادی؛ فاطمه؛ دشتبان زاده؛ سمیه (۱۳۹۰)؛ پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده؛ مجله حقوق بشر؛ سال ششم؛ شماره ۲؛ ۱-۳

۵. ذاکری؛ قمرالسلطان (۱۳۹۶)؛ تحلیل جرم‌شناختی مسئولیت‌گیری کودکان و نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری آنان؛ مجله مطالعات حقوق بهار؛ شماره ۱۰؛ ۲-۳

۶. صبوری پور؛ مهدی؛ علوی صدر؛ فاطمه؛ سن مسئولیت‌گیری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ (۱۳۹۴)؛ فصلنامه پژوهشنامه حقوق‌کیفری؛ سال ششم

۷. عباچی؛ مریم؛ (۱۳۸۳)؛ پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان؛ مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۴۷؛ ۷-۱۰

۸. عباچی؛ مریم؛ (۱۳۸۸)؛ حقوق‌کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد؛ انتشارات مجد

۹. عظیم‌زاده؛ شادی؛ شیخ‌الاسلامی؛ گلاویژ؛ (۱۳۹۳)؛ الگوی رشد مجرمانه مبتنی بر بزه‌دیده‌شناسی ثانویه؛ مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۸۸؛ ۱۷-۱۵

۱۰. قناد؛ فاطمه؛ اکبری؛ مسعود؛ (۱۳۹۲)؛ سیاست‌گیری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌دیده گردشگری جنسی؛ شماره ۵

۱۱. گسن، ریموند؛ تدین؛ عباس (۱۳۸۶)؛ شماره ۱۴؛ هسته‌های بسیار فعال نوجوانان بزهکار؛ مجله حقوقی اسلامی؛ ۲۳-۲۱

۱۲- معظمی ؛ شهلا ، مهدوی ؛ محمود(۱۳۸۸) ؛ اختلال در کارکرد رشدی خانواده و بزهکاری اطفال و نوجوانان ؛ شماره ۱ ؛ مجله تحقیقات زنان

کتاب :

۱۳- شیرکوند، محبوبه؛ توازی ، مریم (۱۳۹۴) : نکات کلیدی بزهکاری کودکان و نوجوانان : تهران : انتشارات دادگستری

۱۴- معظمی، شهلا(۱۴۰۱)، بزهکاری کودکان و نوجوانان ؛ تهران ، انتشارات دادگستری

۱۵- نجفی توانا ، علی ، (۱۳۸۴) ، نا به هنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان ، تهران : انتشارات راه تربیت

۱۶- هاشم بیگی ، حمید ؛ نجفی ابرند آبادی ، علی حسین ؛ دانشنامه جرم شناسی ، انتشارات گنج دانش

۱۷- عباسی ، مجتبی ؛ بزهکاری اطفال ؛ انتشارات مجد

۱۸- کوتی ، امیر ؛ پیشگیری از یزه کاری اطفال و نوجوانان با محوریت کنترل اجتماعی

۱۹- موسوی، عافیة السادات ؛ بزهکاری اطفال و نوجوانان ، انتشارات مجد

۲۰- نجفی توانا، علی ؛ نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان ؛ انتشارات میزان

منابع انگلیسی :

۱- charies E.T.(۲۰۱۱).Drug Addictions A.public Health problem . Am j public Health.

۲-kaesler Drik . Aktuelle theorien der soziologie von shmuel n . Eisenstadt bis zur postmoderne.

۳-Merton R.k (۱۹۶۸) . social theory and social struckture . Enlarged ed. New York

۴-coser-L.A.(۲۰۰۷).Robert k .merton. in : kaesler drik

۵-Winton A.(۲۰۰۷) .using participatory methods with young people in contexts of vioience